



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

جهل حکمی و جهل موضوعی در جرایم موجب حدود و قصاص نوجوانان

علیرضا صادقی نیارکی*

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

دوران کودکی و نوجوانی مرحله‌ای تأثیرگذار و حساس در زندگی هر فرد بوده و قانون‌گذاران با درک این حساسیت نلاش می‌کنند تا با توجه به تفاوت‌های موجود بین این دسته و بزرگسالان، حقوق و تکالیف متمایزی را برای آن‌ها درنظر بگیرند. در قانون مجازات اسلامی نیز این امر مورد توجه قانون‌گذاران بوده است و نظام افتراقی برای پاسخ‌دهی به جرایم این دسته پیش‌بینی شده است. از جمله این موارد، ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی است که به بحث رشد جزایی، جهل حکمی و جهل موضوعی در جرایم موجب حدود و قصاص نوجوانان پرداخته است. از آنجاکه مقتن در مواد عمومی یعنی مواد ۱۴۴ و ۱۵۵ از قانون مجازات اسلامی به بحث جهل موضوعی و حکمی در جرایم بزرگسالان پرداخته، ذکر دوباره این موارد در ماده ۹۱ در نگاه اول زائد و بی‌معنا بهنظر می‌رسد. اما با توجه به سیاست افتراقی و مبتنی بر تخفیف مقتن در واکنش به جرایم اطفال و نوجوانان، به نظر می‌رسد ماده ۹۱ در مقام بسط و گسترش مفهوم جهل موضوعی و جهل حکمی در جرایم موجب حدود و قصاص نوجوانان است تا از این طریق در برخورد با نوجوانان بزهکار نسبت به بزرگسالان بزهکار تخفیف بیشتری اعمال کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۳-۵۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل:

niaraki72@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نوجوانان، بزهکاری، حدود و قصاص،

جهل حکمی، جهل موضوعی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

- عدم درک حرمت جرم به چه معنا است؟ تفاوت درک حرمت جرم با علم به قانون که در ماده ۱۵۵ ق.م.ا. ذکر شده است چیست؟ همچنین چرا به حکم ماده ۲۱۷ ق.م.ا. درصورتی که بزرگسالی به حرمت شرعی رفتار موجب خد، علم نداشته باشد، مبری از مسئولیت شناخته می‌شود، اما بالغان زیر ۱۸ سال درصورت عدم درک حرمت جرم حدی به مجازات تعزیری محکوم می‌شوند و برای آنان مسئولیت نقصان‌یافته درنظر گرفته شده است؟ علت این برخورد به ظاهر شدیدتر با افراد زیر ۱۸ سال چیست؟

- عدم درک ماهیت جرم به چه معنا است؟ آیا به معنی جهل موضوعی مذکور در ماده ۱۴۴ ق.م.ا. است؟ اگر چنین می‌باشد، چرا بزرگسالان درصورت وجود جهل موضوعی از مجازات معاف می‌شوند، اما بالغان زیر ۱۸ سال به مجازات تعزیری محکوم می‌گردند؟ آیا مقنن در ماده ۹۱ در مقام بیان تشید مجازات نوجوانان بوده است؟

در این مقاله سعی داریم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم، اما شایسته است تا ابتدا حیطه و محدوده بحث را مشخص کنیم. همان‌طور که از متن ماده هم برمی‌آید، ماده ۹۱ در مقام بیان مفاهیم رشد جزایی، درک ماهیت جرم و درک حرمت جرم در جرایم موجب حدود و قصاص بالغان زیر ۱۸ سال می‌باشد. زین‌سبب جرایم موجب تعزیر و دیه بالغان زیر ۱۸ سال و تمامی جرایم اطفال و بزرگسالان از حیطه این ماده و بالتبع این مقاله خروج موضوعی دارد. توضیح بیشتر اینکه برای اطفال، نظام پاسخ‌دهی خاصی در ماده ۸۸ ق.م.ا. مشخص شده است که موضوع بحث این مقاله نیست.^۲ به علاوه آنکه بحث رشد جزایی که در قانون با عبارت «شبیه در رشد و کمال عقل» بدان اشاره شده است نیز از مباحث این مقاله خروج موضوعی دارد و باید در شرایط اهليت کیفری از آن صحبت شود. اما به طور خلاصه باید گفت، مقنن تعریفی از «عدم درک حرمت جرم» و «عدم درک ماهیت جرم» نکرده است. همچنین در نظرات دکترین نیز نمی‌توان به تعریفی دقیق از این اصطلاحات رسید،^۳

دوران کودکی و نوجوانی مرحله‌ای از زندگی هر انسان است که در آن شخصیت فرد شکل می‌گیرد. فرد در این دوره با هنجارهای جامعه آشنا می‌شود. اما گاه ممکن است افراد در این سن تحت شرایط خانوادگی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی هنجارهای اساسی جامعه را نقض کنند و مرتکب جرم شوند. اینجا است که نوع واکنش به این دسته اهمیت پیدا می‌کند. زیرا از آنجاکه این افراد در مرحله رشد و یادگیری قرار دارند، نظام عدالت کیفری می‌تواند با اتخاذ تدبیر مناسب به سوگیری درست نظام رفتاری آنان کمک نماید. عکس این قضیه نیز صادق است؛ درصورتی که اقدامات نظام عدالت کیفری در جهت اصلاح و بازپروری این دسته نباشد؛ ممکن است آن‌ها را در آینده به مجرمانی خطناک برای جامعه تبدیل کند. همچنین از آنجاکه اطفال و نوجوانان هنوز به رشد عقلی و جسمی کامل در مقایسه با بزرگسالان نرسیده‌اند، عدالت اقتضا دارد تا رفتاری متفاوت از بزرگسالان با آن‌ها صورت گیرد. زین‌سبب وجود رویکرد افترافقی مبتنی بر مسامحه در جهت اصلاح و بازپروری آنان امروزه امری بدیهی می‌نماید که قانون‌گذاران کشورهای مختلف نیز بر آن صحنه گذاشته و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. قانون‌گذار ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به این مهم توجه داشته است. از جمله این موارد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی^۱ است. مقنن در ماده ۹۱ ق.م.ا. مقرر کرده است درصورتی که بالغان زیر ۱۸ سال ماهیت یا حرمت جرم موجب حدود یا قصاص را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل‌شان شبیه وجود داشته باشد، این افراد به جای محکوم شدن به مجازات اصلی عمل‌شان، به مجازات‌های تعزیری مذکور در ماده ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. محکوم گردند. هرچند ذکر این ماده و پیش‌بینی نظام خاص پاسخ‌دهی به نوجوانان در جرایم موجب حدود و قصاص امری قابل تقدیر و نکو است، اما به دلیل تازگی و عدم سبقه تقنینی چالش‌ها و ابهاماتی در این مقرره وجود دارد، از جمله آنکه:

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به: صادق‌نیارکی، علیرضا (۱۳۹۸). چالش‌های اعمال خصامت‌اجراهای قانونی بر اطفال و نوجوانان در مرحله صدور و جرایی حکم کیفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۳۱-۲۲.

۳- برخی از نویسنده‌گان «عدم درک ماهیت جرم» و «عدم درک حرمت جرم» را در معنای جهل موضوعی و جهل حکمی دانسته‌اند، اما به تفاوت این مفاهیم با جهل موضوعی و حکمی مذکور در مواد ۱۴۴ و ۱۵۵ و علت تکرار مجدد آن در

۱- «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبیه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پژوهشی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.»

مقنن در قانون مجازات اسلامی و در ماده ۱۵۵ تنها جهل به اصل وجود علم، آن هم با قید اینکه تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد را پذیرفته است. پس این عدم امکان باید مطلق باشد، یعنی به هیچ وجه دسترسی به قوانین برای فرد مقدور نباشد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۴: ۱۳۶/۲). به عبارت دیگر جهل قصوری باشد و نه تقصیری،^۱ پس به طریق اولی اشتباه در تفسیر قانون و جهل به میزان مجازات در قلمرو حقوق کیفری ایران برای عموم عذر محسوب نمی‌شود.

اما در حیطه مقررات اطفال و نوجوانان با دو مقرره در قانون مجازات اسلامی رو به رو هستیم. ابتدا مقنن در ماده ۹۱ عدم درک حرمت جرم انجام شده را از موارد تخفیف مسئولیت نوجوانان دانسته و در ماده ۱۵۵ ق.م.ا. جهل به حکم را در دو حالت جز موضع مسئولیت کیفری می‌داند: ۱- تحصیل علم عادتاً برای فرد ممکن نباشد. ۲- جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود (برای مثال در حدود با توجه به ماده ۲۱۷ ق.م.ا.). حال با توجه به نکات گفته شده، آیا عبارت «عدم درک حرمت جرم» مذکور در ماده ۹۱ ق.م.ا. به معنی همان جهل حکمی است یا خیر؟ توضیح آنکه در صورت عدم درک حرمت جرم انجام شده توسط بالغ زیر ۱۸ سال، وی مشمول ماده ۹۱ بوده و دارای مسئولیت کیفری نقضانیافته است، اما در صورت شمول ماده ۱۵۵ بر این بالغ زیر ۱۸ سال، وی اساساً فاقد مسئولیت کیفری است. آیا می‌شود با تفاوت قائل شدن بین دو واژه «علم» و «درک» توجیهی برای تعارض مابین ماده ۹۱ و ۱۵۵ پیدا کرد؟

در بیان تفاوت بین علم و درک علامه حلی چنین بیان می‌کند: «علم بر فهم امور کلی مانند رنگ و طعم گفته می‌شود، ولی ادراک بر مطلق صورت‌های حاصله در نزد ادراک‌کننده. پس در این صورت، ادراک شامل علم جزئی یعنی همان درک امور جزئی با حس می‌گردد؛ مثل «این رنگ» و «این طعم» و مانند آن، در اینجا، علم «نوع» می‌شود و ادراک «جنس» به حساب می‌آید» (فدایی، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

۱- «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتكب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای اوی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

تبصره-جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.»

۲- جهل تقصیری عبارت است از اینکه، جاهل قدرت بر تحصیل علم به احکام را دارد، ولی در اثر سهل‌انگاری به دنبال آن نرفته است و جهل قصوری، جهله ای است که مکلف در شرایطی قرار بگیرد که امکان دسترسی او به علم و آگاهی از احکام وجود نداشته باشد (قدسی، ۱۳۸۱: ۵۳).

اما آنچه از سیاق این عبارت‌ها بر می‌آید این است که منظور مقنن، مفهومی شبیه به جهل موضوعی و جهل حکمی بوده است. تحقیق حاضر ضمن مفروض دانستن «عدم درک حرمت جرم» و «عدم درک ماهیت جرم» در معنای جهل حکمی و موضوعی، تلاش می‌کند تا به تفاوت‌های موجود بین این موارد نیز اشاره نماید. از این‌رو پس از تعریفی مختصر از این مفاهیم با دو عنوانی که مقنن انتخاب کرده است، یعنی: «عدم درک حرمت جرم» و «عدم درک ماهیت جرم»، جهل حکمی و موضوعی را در جرایم موجب حدود و قصاص نوجوانان مورد بررسی قرار داده و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا مقنن در ماده ۹۱ در مقام تشدید مجازات نوجوانان بوده است یا توجیهی برای ذکر دوباره ماده ۹۱ با وجود مواد ۱۴۴ و ۱۵۵ وجود دارد.

۱- تفاوت جهل حکمی با عدم درک حرمت جرم انجام شده

«منظور از جهل حکمی عدم اطلاع و آگاهی مرتكب از ممنوعیت رفتار است» (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵/۱). البته همیشه صرفاً عدم اطلاع موجب جهل حکمی نشده و گاهی ارتکاب عمل مجرمانه به علت برداشت نادرست و تفسیر غلط از قانون است (قدسی، ۱۳۸۱: ۳۶). در واقع فرد علم اجمالی به قانون دارد، اما در تفسیر قانون با مشکل رو به رو می‌شود. برای مثال فرد خارجی می‌داند در ایران رعایت حجاب اسلامی برای ایرانیان ضروری است، اما گمان می‌کند این منع برای اتباع کشورهای خارجی وجود ندارد. اندیشمندان علوم انسانی از دیرباز تلاش کرده‌اند تا علم را طبقه‌بندی کرده و درجات مختلفی برای آن قائل شده‌اند. به عبارت دیگر، اندیشمندان درباره مراتب نیل به کمال‌های علمی متفق‌القول بوده و اختلاف موجود را در فرایند تکامل نظری می‌دانند. (ابوالحسنی، ۱۳۹۲: ۱۸۷). بنابراین بدیهی به نظر می‌رسد که امروزه علم و آگاهی مفهومی ذوالمراتب شناخته می‌شود، پس باید برای مفهوم عدمی آن یعنی جهل نیز مراتب و درجاتی قائل شد. گاهی فرد نسبت به اصل وجود قانون جهل دارد، گاهی در تفسیر قانون اشتباه می‌کند و گاه نسبت به میزان مجازات جرم علم و اطلاع ندارد یا اشتباه می‌کند. تفکیک این موارد تبیین و شرح آن از موضوع این مقاله خروج موضوعی دارد، اما آنچه مسلم است اینکه

۹۱ نبرداخته‌اند، برای مثال: الهام و برهانی (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ چهارم. انتشارات میزان. ۲۹۰.

اما باید حالت دیگری را نیز تصور کرد که بالغ زیر ۱۸ سال اگرچه علم به حرمت دارد، اما این حرمت را درک نکرده است که در این صورت مشمول ماده ۹۱ شده و برای او مسئولیت نقضان یافته درنظر گرفته می‌شود. آوردن مثال برای این حالت دشوار است و به نظر این موضوع در حد یک ابهام و چالش نظری باقی بماند. اما برای مثال می‌توان حالتی را تصور کرد که بالغ زیر ۱۸ سال مرتكب سرقت حدی بشود. اگرچه این فرد علم به حرمت سرقت دارد، اما نمی‌داند که با تحقق شرایطی ممکن است این ریایش، سرقت حدی محسوب شده و حکم به قطع ید او صادر گردد. به عبارت دیگر این نوجوان در این فرض در تفسیر قانون اشتباہ می‌کند، نه در اصل وجود قانون یا حرمت. حال آیا می‌توان گفت در اینجا حرمت عمل از سوی این فرد درک نشده است؟ از طرفی تبصره ماده ۱۵۵ ق.م.ا. جهل به نوع یا میزان مجازات را مانع از مجازات نمی‌داند. باید چنین پاسخ داد در این حالت جهل به میزان مجازات به قدری زیاد است که می‌توان گفت او حرمت عمل ارتکابی‌اش را درک نکرده است. همان‌طور که گفته شد درک، کمال علم است و اینجا کمال علم در فرد وجود ندارد. به عبارت دیگر اساساً در صورت عدم وجود یکی از شرایط سرقت حدی، جرم حدی تغییر ماهیت داده و به جرم تعزیری تبدیل می‌شود. شدت مجازات جرم سرقت حدی (قطع ید) نسبت به شدیدترین نوع سرقت تعزیری (بیست‌سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) به حدی بالاتر است که می‌توان گفت این بالغ زیر ۱۸ سال بر حرمت عمل ارتکابی‌اش درک نداشته است و الا مرتكب این عمل نمی‌شد.

به طور خلاصه و با تفاوت قائل شدن بین دو واژه «علم» و «درک» و توجه به تفسیر کلمات قانون در معنای عرفی آن و توجه به این مطلب که علم امری دارای مراتب بوده و شارع حکیم هر کس را با توجه به درک او مخاطب امر و نهی قرار می‌دهد، باید چنین استدلال کرد که مقانون در ماده ۹۱ در مقام سختگیری بیشتر نسبت به نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان نبوده است تا در صورت وجود جهل حکمی در جرایم موجب حد و قصاص و در حالتی که تحصیل علم عادتاً برای نوجوان ممکن نبوده یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب می‌شود، آن‌ها را به مجازات مذکور در ماده ۸۹ محکوم کند. بلکه در مقام اعمال تخفیف بیشتر برای نوجوانان بوده است. پس اگر نوجوانی مرتكب جرم شرب خمر گردد و ادعای بی‌اطلاعی از حرمت آن کند، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، ادعایش

تفسیر مواد قانونی مخالف است، زیرا باید متن قانونی برای مخاطبان که مردم عادی هستند قابل فهم و درک باشد؛ در واقع متن نیز جزوی از جامعه است و به زبان عرف مردم صحبت می‌کند. نیکوست کلام‌مان را در اینجا مزین به این عبارت مشهور قرآنی کنیم: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلَاغَةِ قَوْمَهُ» (ابراهیم، ۴). اما در اینجا این تعریف فلسفی با مفهوم عرفی این کلمات نیز هماهنگ می‌باشد و تنها به عنوان شاهد مثالی برای گفته خود به آن استناد شد. ظهور عرفی از مفاهیم درک و علم این برداشت را می‌رساند که درک داشتن بر امری مرحله‌ای بالاتر از علم داشتن به آن می‌باشد. در تفسیر مواد قانونی چنانچه لفظی که در قانون به کار می‌رود صریح نباشد، ظهور عرفی در فهم معنای مناسب و ارتکازی مرتبط به نص به کار خواهد رفت. اصولیان مجوز اعتماد بر ارتکاز اجتماعی در فهم نص را همان اصل حجیت ظهور می‌دانند؛ زیرا این ارتکاز به نص، ظهوری در معنای هماهنگ با آن ارتکاز می‌بخشد و این ظهور نیز مانند ظهور لفظی، حجت است. زیرا گوینده، از آن جهت که فردی از اهل زبان است، سخن خویش را از جهت زبانی و لفظی می‌فهماند و از آن جهت که فردی اجتماعی می‌باشد، گفته خود را از جهت اجتماعی می‌فهماند. شارع نیز چنین شیوه‌ای را در فهم تأیید کرده است (برهانی، پارساییان، ۱۳۹۲: ۱۵۴/۳۶).

با تفکیک و تفاوت قائل شدن بین این مفاهیم، می‌توان به یکی از ابهامات موجود پاسخ داد و آن هم تعارض ماده ۹۱ با ماده ۱۵۵ و ۲۱۷ ق.م.ا. است. در بررسی ماده ۱۵۵ همان‌طور که گفته شد، با دو حالت رو به رو هستیم: نخست، تحصیل علم عادتاً برای فرد ممکن نباشد که در این حالت فرقی بین بزرگسالان و بالغان زیر ۱۸ سال نیست و در هر حال از موضع مسئولیت کیفری می‌باشد. دوم، آنچه محل بحث است، حالتی است که جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود، مانند ماده ۲۱۷ ق.م.ا. که بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد، مرتكب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد.» حال باید در حدود بین علم به حرمت شرعی عمل با درک حرمت شرعی عمل قائل به تفکیک شد. اگر بالغ زیر ۱۸ سال علم به حرمت شرعی عمل موجب حد نداشته باشد، همچون بزرگسال و مستند به ماده ۲۱۸ ق.م.ا. در صورتی که احتمال صدق گفتار او داده شود، ادعایش بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌گردد.

درک ماهیت جرم به چه معناست؟ آیا به معنی درک عناصر سه گانه جرم می‌باشد؟ آن هم در حالتی که اندیشمندان حقوق نیز در رابطه با عناصر سه گانه جرم درک مشترکی ندارند. برای مثال گروهی کلاهبرداری را جرم مقید و گروهی جرمی مطلق می‌دانند. پاسخ این سؤال نیز منفی است. بهنظر همان‌طور که گفته شد، عدم درک ماهیت جرم با توضیحاتی به معنای همان وجود جهل موضوعی است و از این عبارت مفهوم دیگری قابل برداشت نمی‌باشد.

وجود جهل موضوعی در جرایم عمدى به معنای فقدان عنصر روانی جرم است و اساساً در این صورت جرمی اتفاق نمی‌افتد که نوبت به مسئولیت برسد. حال پرسش اساسی اینجاست که اگر عدم درک ماهیت جرم را همان جهل موضوعی بدانیم، چگونه می‌توان این برخورد شدیدتر با نوجوانان را در مقایسه بزرگسالان توجیه کرد؟ بزرگسالان در صورت وجود جهل موضوعی مسئولیت نداشته، اما بالغ زیر ۱۸ سال در صورت جهل موضوعی دارای مسئولیت نقضان یافته است و باید با توجه به سن اش به یکی از موارد مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. محکوم شود؟ به نظر این برخورد دو گانه منطقی نبوده و مقصود مقتن از جعل ماده ۹۱ ق.م.ا. برخورد شدیدتر با نوجوانان نسبت به بزرگسالان نیست. پس در صورت اثبات جهل موضوعی در جرایم نوجوانان، باید به عمومات مراجعه کرده و بگوئیم به دلیل عدم تحقق جرم، مسئولیتی نیز شکل نگرفته و مجازاتی وجود ندارد. اما در این صورت فلسفه وضع ماده ۹۱ چیست و چرا مقتن در کنار ماده ۱۴۴ به این ماده هم اشاره کرده است؟ برای حل این تعارض و به حکم قاعدة «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» می‌توان بین جهل مرکب و بسیط قائل به تفکیک شد. توضیح آنکه در مفهوم حقوقی، جهل اعم از بسیط و مرکب می‌باشد و جهل مرکب متراծ با اشتباه است (قدسی، ۱۳۸۱: ۲۴۵). با توجه به این تفکیک می‌توان گفت جهل موضوعی مذکور در ماده ۱۴۴ ق.م.ا. که با عبارت «علم مرتكب به موضوع جرم» بیان شده است، جهل مرکب موضوعی را مدنظر قرار داده است، اما مقتن در ماده ۹۱ با ذکر عبارت «درک به ماهیت جرم» از جهل بسیط موضوعی سخن می‌گوید. پس در صورتی که عمل یک فرد بالغ زیر ۱۸ سال داخل در تعریف جهل موضوعی مرکب شود، همچون بزرگسالان مسئولیت ندارد و اگر عملش داخل در تعریف جهل موضوعی مرکب گردد، با استناد به ماده ۹۱ مسئولیت کیفری نقضان یافته برای

مستند به مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا. بدون بینه و سوگند پذیرفته می‌شود و زین حیث تفاوتی با بزرگسالان ندارد. اما اگر اشتباه حکمی او در محدوده اشتباه در تفسیر مواد و شرع بوده یا جهل به میزان مجازات در حدی شدید باشد که ماهیت جرم را عوض کند، این اشتباه را می‌توان در محدوده عدم درک حرمت جرم دانست و می‌بایست این نوجوان را در جرایم موجب حدود و قصاص به اقدامات پیش‌بینی شده در مواد ۸۸ و ۸۹ محکوم کرد.

۲- تفاوت جهل موضوعی و عدم درک ماهیت جرم

«منظور از اشتباه موضوعی آن است که انسان در ماهیت فعلی که مرتكب می‌شود و نتیجه‌هایی که از آن به دست می‌آید مشتبه باشد، بدیهی است در این زمینه حکم قانون به هیچ وجه مورد توجه نیست» (باهری، ۱۳۴۷: ۲۲۱). اصل این است که اشتباه موضوعی عنصر روانی جرم را در جرایم عمدى زائل می‌کند، اما در جرایم غیرعمدى على الاصول بی‌تأثیر است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۴: ۱۴۴/۲). قانون‌گذار در ماده ۱۴۴ به مبحث علم به موضوع جرم پرداخته است و جهل یا اشتباه موضوعی را موجب عدم تشکیل رکن روانی می‌داند. همچنین در ماده ۹۱ «عدم درک ماهیت جرم» را از عوامل تبدیل مجازات حد یا قصاص به اقدامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ دانسته است. اما از آنجاکه در قانون، تعریفی از ماهیت جرم نشده است، نخستین پرسشی که در این مورد باید بدان پاسخ داد، این است که اساساً عبارت «ماهیت جرم» در این ماده به چه معنایی به کار رفته که در صورت عدم درک آن، بالغ زیر ۱۸ سال از مجازات اصلی عملش معاف شده و به مجازات تعزیری محکوم می‌گردد؟ آیا آن‌طور که بعضی از صاحب‌نظران نوشته‌اند این عدم درک ماهیت جرم در معنی شبیه موضوعی مقصود مقتن بوده است (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۲۹۰/۲ و مصدق، ۱۳۹۲: ۲۱۱/۱) یا از این عبارت معنای دیگری نیز قابل دریافت است؟ ماهیت در لغت به معنی حقیقت و نهاد و ذات چیزی می‌باشد. محققان و صاحب‌نظران حقوق جزا و جرم‌شناسی از این عبارت بیشتر در قلمرو مباحث فلسفه حقوق و جرم‌شناسی استفاده می‌کنند. نگارنده در کتب مختلف اساتید جزا نیز به تعریف مستقلی از عبارت «ماهیت جرم» نرسید. پس باید تنها به معنی لغوی این عبارت بسنده کرد و نمی‌توان پا فراتر از حقیقت لغوی این عبارت گذاشت و باید ماهیت جرم را به معنی چیستی جرم بدانیم. چیستی هر جرم در عناصر سه گانه آن یعنی عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی متجلى است. حال به پرسش دوم می‌رسیم که عدم

قاتل بالغ زیر ۱۸ سال باشد، بهدلیل عدم درک ماهیت جرم یا به عبارت دیگر بهدلیل وجود جهل موضوعی بسیط نمی‌توان او را قصاص کرد و باید برای او مسئولیت کیفری نقصان‌یافته در نظر گرفت. البته بهنظر این مباحث بیشتر جنبهٔ نظری داشته و در عالم ثبوت می‌توان از آن صحبت کرد و در عالم اثبات تفکیک اعتقاد به مهدورالدم بودن با تردید در مهدورالدم بودن از جانب مرتکب امری پیچیده و احتمالاً نشدنی است.

نتیجه‌گیری

با پیش‌بینی مادهٔ ۹۱ ق.م.ا. مقتن در جرایم موجب حدود و قصاص نوجوانان، مسئولیت کیفری نقصان‌یافته را برای آن‌ها پذیرفته است. اما آنچه هنوز دارای ابهام می‌باشد، اینکه: چه تفاوتی بین درک حرمت جرم با علم به قانون و علم به حرمت شرعی رفتار که در مواد ۱۵۵ و ۲۱۷ به آن اشاره شده است، وجود دارد و چرا مقتن در صورت شمول این مواد بر بزرگسالان آن‌ها را اساساً قابل‌مجازات ندانسته، اما برای نوجوانان مجازات‌های تعزیری مادهٔ ۸۹ را مشخص کرده است. پژوهش به این نتیجه رسید که درک حرمت جرم مرحله‌ای بالاتر از علم به قانون یا علم به حرمت شرعی رفتار می‌باشد. پس اگر نوجوانی اساساً علم به حرمت شرعی یک رفتار مستوجب حد ندارد، همچون بزرگسالان مبری از مسئولیت کیفری بوده و به هیچ عنوان قابل‌مجازات نیست. اما اگر حرمت این عمل را درک نکند، با توجه به مادهٔ ۹۱ ق.م.ا. و با توجه به سن اش به مجازات‌های مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. محکوم می‌گردد. در مورد عدم درک ماهیت جرم نیز این نتیجه حاصل شد که منظور از این عبارت نمی‌تواند چیزی جز جهل موضوعی باشد. مقتن در مادهٔ ۱۴۴ ق.م.ا. به جهل موضوعی مركب اشاره دارد. اما منظور از عدم درک ماهیت جرم، جهل بسیط موضوعی است. پس در فرض نخست نوجوان همچون بزرگسالان مجازات نمی‌شود، اما در فرض دوم نوجوان مستند به مادهٔ ۹۱ ق.م.ا. به مجازات تعزیری مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. محکوم می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند،
کمال تشکر را دارد.

او اعمال شود. در تفاوت جهل بسیط با جهل مركب گفته‌اند: «جاهل بسیط از نظر علم به جهل خویش عالم است، اما جاهم مركب از این منظر نیز نادان می‌باشد، یعنی به جهل خویش نادان است» (آقایی‌نیا و زهروی، ۱۳۸۸: ۵/۴). برای مثال می‌توان حالتی را تصور کرد که الف در مهدورالدم بودن ب تردید داشته باشد و به عمد او را بکشد. آن هم در شرایطی که ب نه مشمول مادهٔ ۳۰۲ ق.م.ا. باشد، نه به گفتهٔ مادهٔ ۳۰۳، الف با اعتقاد به مهدورالدم بودن ب سبب این جنایت شده باشد. در واقع در اینجا الف صرفاً براساس تردید و شک سبب جنایت بر ب شده است. در این مثال الف بر جهل خود داناست و می‌داند که ممکن است ب مشمول مادهٔ ۳۰۲ ق.م.ا. نباشد و با این اعتقاد که او قطعاً مشمول مادهٔ اخیر می‌باشد، مرتکب این قتل نشده، پس مادهٔ ۳۰۳ نیز نمی‌تواند چاره‌ای برای رهایی از قصاص برای او باشد. پس می‌توان این عمل را مشمول جنایت عمدى دانست و الف را به قصاص محکوم کرد. زیرا اثباتاً که مشخص است بهدلیل وجود قصد قتل او مشمول بند الف مادهٔ ۲۹۰ ق.م.ا. می‌باشد. اما اگر بخواهیم نفیاً این مورد را بررسی کنیم، نخست بهدلیل وجود قصد قتل او از مشمول بند الف مادهٔ ۲۹۱ خارج است. دوم، قاتل با اعتقاد به اینکه مقتول شی، حیوان، یا افراد مشمول مادهٔ این قانون می‌باشد، مرتکب این جنایت نشده و تنها بر مبنای یک تردید و شک دست به این عمل زده است. سوم، از آنجا که جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدى می‌باشد؛ او از مشمول بند پ مادهٔ ۲۹۱ نیز خارج است. پس در این فرض مرتکب را در صورتی که بالای ۱۸ سال باشد و در صورت وجود شرایط مسئولیت کیفری و وجود شرایط عمومی قصاص می‌توان به قصاص محکوم کرد. اما اگر

۱. «جنایت در موارد زیر عمدى محسوب می‌شود:
الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایجاد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمیع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.»

۲. «جنایت در موارد زیر شبیه‌عمدى محسوب می‌شود:
الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجني‌علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدى می‌گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شی، یا حیوان و یا افراد مشمول مادهٔ ۳۰۲ (۳۰۲) این قانون است به مجني‌علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم شود.

پ- هرگاه جنایت به‌سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدى نباشد.»

سهم نویسنده‌گان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسنده‌گان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- ابوالحسنی نیارکی، فرشته (۱۳۹۲). «استكمال علمی و عملی انسان از منظر خواجہ نصیرالدین طوسی». پژوهشنامه اخلاق. ۱۶۹(۲۲).

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: انتشارات جنگل.

- آقایی‌نیا، حسین و زهروی، رضا (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا». فصلنامه حقوق مجده دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۹(۴): ۱-۱۹.

- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات میزان.

- باهری، محمد (۱۳۴۸) تقریرات حقوق جزای عمومی. انتشارات دانشگاه تهران.

- برهانی، محسن و پارساییان، عطیه (۱۳۹۲). «عُرف و مؤلفه‌های قانونی و مادی تشکیل‌دهنده پدیده مجرمانه». حقوق اسلامی. ۱۰(۳۶): ۱۷۲-۱۴۷.

- صادقی نیارکی، علیرضا (۱۳۹۸). چالش‌های اعمال ضمانت‌اجراهای قانونی بر اطفال و نوجوانان در مرحله صدور و اجرای حکم کیفری. به راهنمایی دکتر محمد یکرانگی. تهران: دانشگاه تهران.

- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۷). «علم و ادراک و نحوه تشکیل آن». مجله معرفت هستی. ۱۳۱-۱۶۳(۲): ۶.

- قدسی، سیدابراهیم (۱۳۸۱). قلمرو تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری. مازندران: دانشگاه مازندران.

- مصدق، محمد (۱۳۹۶). شرح قانون مجازات اسلامی (کلیات) مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی. جلد اول. چاپ دهم. تهران: انتشارات جنگل.



Volume 3, Issue 2, 2021

Ignorance of Law and Mistake of Fact in Juvenile Crimes Punishable by Haad or Qisas

Alireza Sadeghi Niaraki *¹

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 57-63

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email:

niaraki72@gmail.com

Article history:

Received: 21 May 2021

Revised: 13 Jul 2021

Accepted: 25 Agu 2021

Published online: 23 Sep 2021

Keywords:

Juveniles, Delinquency, Haad Qisas, Ignorance of Law, Mistake of Fact.

ABSTRACT

Childhood and adolescence is an influential and sensitive stages in every person's life. Legislators, understanding this sensitivity and try to consider different rights and duties for juvenile according to the differences between this group and adults. In the Islamic Penal Code, this issue has been considered by the legislators and a differential system has been provided to respond to the crimes of juvenile. According to this, in Article 91 of the Islamic Penal Code, Legislator predicted specific rule deals with Criminal maturity, ignorance of the law and mistake of fact in juvenile crimes punishable by haad or qisas. However the legislator in general section of Islamic penal code, Articles 144 and 155 discusses about ignorance of law and mistake of fact in adult crimes. At first glance, mentioning these cases again in Article 91 seems superfluous and meaningless. But, according to the policy of differentiation and based on legislative mitigation in response to juvenile delinquency, it seems that Article 91, try to extend the concept of ignorance of law and mistake of fact, in juvenile crimes punishable by haad or qisas to provide more commutation for juvenile offenders in compared with adults.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Sadeghi Niaraki. A (2021). "Ignorance of Law and Mistake of Fact in Juvenile Crimes Punishable by Haad or Qisas". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 2(3): 57-63.